

Collective responsibility from Imam Ali's point of view (AS) in Nahj al-Balagha

Received: 2020-05-11

Accepted: 2020-12-01

Yadollah Honari Latif pour *

Akbar Orvati Movaffaq **

The purpose of this study is to investigate collective responsibility from the perspective of Imam Ali (as) with reference to Nahj al-Balagha and its valid explanations. The main question is whether from the point of view of Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha, based on the rule of collective responsibility, the whole community or parts of it can be held responsible for the acts committed by individuals or groups of society? Likewise, are individuals or groups in society responsible for the actions and behaviors, committed by their community in which they themselves have no role? The research is based on the assumption that Imam Ali (AS) in Nahj al-Balagha, based on his own ontological and anthropological principles while accepting the moral responsibility of the individual for the consequences of his actions, accepted the collective responsibility in the sense of mutual moral responsibility of the individual and society towards each other's actions. It means that not only participation in the action or assisting in the preparation of its action causes responsibility, but also heartfelt satisfaction with action and silence towards it (even if it is not from consent), is like participation in the performance of the action. It causes responsibility in front of its effects and consequences.

Keywords: Moral responsibility; Collective Responsibility; Imam Ali (AS); Nahj al-Balagha.

* Assistant Professor, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran (honari@basu.ac.ir).

** Assistant Professor, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran (a.orvatimovaffagh@basu.ac.ir).



مسئولیت جمعی از نگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۲

تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۹/۱۱

یدالله هنری لطیف پور *

اکبر عروتی موفق **

هدف پژوهش حاضر بررسی مسئولیت جمعی از دیدگاه امام علی علیه السلام با استناد به نهج البلاغه و شرح‌های معتبر آن است. پرسش اصلی این است که آیا از نگاه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌توان با استناد به قاعده‌ی مسئولیت جمعی، کل اجتماع یا بخش‌هایی از آن را در قبال اعمالی که فرد یا گروه‌هایی از جامعه مرتکب شده‌اند، مسئول دانست؟ به‌همین اعتبار آیا فرد یا گروه‌هایی از جامعه در قبال افعال و رفتارهایی که جامعه‌ی متبوع آن‌ها مرتکب می‌شوند و خود در آن‌ها نقشی نداشته‌اند، مسئول هستند؟ پژوهش بر این فرض استوار است که امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، با ابتناء بر مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی ویژه‌ی خود، ضمن پذیرش مسئولیت اخلاقی فرد نسبت به پیامدهای افعالش، مسئولیت جمعی را به‌معنای مسئولیت اخلاقی متقابل فرد و جامعه در قبال اعمال یک‌دیگر پذیرفته و مورد تأکید قرار داده است؛ تاجایی که نه تنها شرکت در عمل یا معاونت در تمهید مقدمات آن، موجب مسئولیت می‌شود، بلکه رضایت قلبی نسبت به یک عمل و سکوت در قبال آن نیز (حتی اگر از سر رضایت نباشد)، به‌منزله‌ی مشارکت در انجام آن عمل و موجب مسئولیت در قبال آثار و پیامدهای آن خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: مسئولیت اخلاقی، مسئولیت جمعی، امام علی علیه السلام، نهج البلاغه.

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول) (honari@basu.ac.ir).

** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (a.orvatimovaffagh@basu.ac.ir).



یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی فلسفه‌ی اخلاق، مسأله‌ی «مسئولیت اخلاقی» است. به‌طور طبیعی انسان‌ها در قبال اعمال‌شان مسئول هستند. ابعاد، زوایا، نوع و شرایط این مسئولیت همواره مورد بحث صاحب‌نظران بوده است. از دوران یونان باستان تا روزگار حاضر، فیلسوفان پیوسته در تلاش بوده‌اند تا با طرح پرسش‌های مختلف: مسئولیت انسان، شرایط و خصوصیات انسان مسئول، ویژگی‌ها، لوازم و ابعاد مختلف مسئولیت را تبیین نمایند. مهم‌ترین دغدغه‌ی اندیشمندان این بوده است که حدود و قلمرو مسئولیت اخلاقی کجاست؟ گروهی براین‌باورند که مسئولیت اخلاقی منحصر به افعال مستقیم و ارادی انسان است. گروه دیگر معتقدند مسئولیت اخلاقی، پیامدهای غیرمستقیم و ناخواسته‌ی کارهای آدمی را نیز دربر می‌گیرد؛ به‌این‌معنی که اگر کسی به‌اجبار یا از سر جهل هم مرتکب عملی شود، می‌توان او را اخلاقاً مسئول آن کار دانست. در دیدگاه اخیر، مسئولیت اخلاقی منحصر به افعال مستقیم و ارادی انسان نیست، بلکه پیامدهای غیرمستقیم و ناخواسته کارهای آدمی را نیز شامل می‌شود.



بحث از مسئولیت در حوزه‌های گوناگون قابل طرح است. در علم حقوق، اقسام مسئولیت مورد بررسی قرار می‌گیرد. در علم حقوق، «مسئولیت قانونی» عبارت است از تعهد و التزامی که شخص برای پاسخ‌گویی به قانون دارد. این مسئولیت هم در قالب قانون کیفری و هم در قالب قانون مدنی قابل تعریف است. در مقابل این نوع از مسئولیت، «مسئولیت اخلاقی» قرار دارد. منظور از مسئولیت اخلاقی، هرنوع مسئولیتی است که قانون‌گذار متعرض آن نشده باشد؛ مانند مسئولیت انسان نسبت به خود یا خدای خود یا دیگری. این مسئولیت در دو سطح «شخصی» و «جمعی» قابل طرح است. به‌بیان‌دیگر مسئولیت اخلاقی می‌تواند معطوف به مسئولیت فردی به‌معنای مسئولیت شخص در قبال اعمال خود باشد، یا ناظر بر مسئولیت جمعی به‌معنای تعهد و مسئولیت تضامنی افراد یک جامعه نسبت به اعمالی که از جمع و یا فرد سر زده است. بنابر معنای اخیر، در حقیقت «مسئولیت جمعی» دکترونی است که مطابق با آن، «فرد»، مسئول عمل خود یا عمل جمعی شناخته می‌شود. این مسئولیت به‌واسطه‌ی انکار رفتار و اعمال جمع و یا بی‌توجهی، سکوت و یا حتی تحمل آن اعمال و رفتارها بر او بار می‌شود. در مجموع باید گفت مسئولیت جمعی ناظر بر مواردی است که خود فرد به‌طور مستقیم گناه‌کار نیست، اما با این حال، از طریق تعلق به یک گروه یا فرهنگ مشخص، در آن موارد مشارکت داشته و

مسئول شناخته می‌شود. براین اساس در دکترین مسئولیت جمعی، مسئولیت علی و نکوهش‌پذیری اخلاقی به افراد نسبت داده نمی‌شود، بلکه منشأ مسئولیت اخلاقی در اعمال جمعی قرار دارد که گروه‌ها در مقام جمع انجام می‌دهند.

ارزیابی و تبیین ظرفیت‌ها و قابلیت‌های میراث فکری اسلامی در پاسخ‌گویی به پرسش‌های مهم امروز، از ضرورت‌های جدی و اجتناب‌ناپذیر است. نهج‌البلاغه یکی از متون اساسی و تاثیرگذار در میراث فکری اسلامی است؛ لذا مواجهه‌ی فکری با این متن و تلاش برای عرضه‌ی پرسش‌های جدی به آن و کشف و استنباط و استنتاج پاسخ‌های این متن به منظور حل و فصل مساله‌های فراروی جامعه‌ی بشری، امری ضروری است. اهمیت بحث مسئولیت جمعی از این جهت است که پذیرش یا رد و نفی مسئولیت جمعی پیامدهای متفاوتی در پی دارد و بر چگونگی داوری ما نسبت به رفتارهای فردی و اجتماعی اثر جدی می‌گذارد. به‌علاوه، بررسی و تبیین دقیق این موضوع می‌تواند ظرفیت‌های اندیشه‌ی اجتماعی اسلام را بیش‌ازپیش آشکار سازد. بر همین اساس، این مقاله با بهره‌گیری از روش موضوعی و با تحلیل مضامین موجود در متن نهج‌البلاغه، با تکیه بر فرض بنیادین معنادار بودن مسئولیت جمعی به‌عنوان شکلی از مسئولیت اخلاقی، در پی پاسخ‌دادن به این سوال است که: آیا فرد یا افراد یک جامعه در قبال افعال و رفتارهایی که جامعه‌ی متبوع‌شان مرتکب می‌شود، مسئول هستند؟ از سوی دیگر، آیا می‌توان کل اجتماع یا بخش‌های بزرگی از آن را در قبال آثار و پیامدهای مثبت و منفی اعمالی که افراد و اعضای خاصی از اجتماع ایجاد کرده‌اند، مسئول دانست؟

۱. چارچوب مفهومی

مفهوم «مسئولیت جمعی» در تاریخ اندیشه، مدافعان و مخالفان جدی داشته است. بسیاری از صاحب‌نظران، مسئولیت جمعی را با این استدلال که نمی‌توان اعمال حقیقتاً جمعی را به‌عنوان اموری متمایز از اعمال یکسان بسیاری از اشخاص جدا کرد، زیرا جمع، فاقد «آگاهی» است و در مقام جمع نمی‌تواند بیان‌دیشد و یا آن نوع قصدهایی را که تصور می‌شود برای اعمال لازم هستند، صورت‌بندی کند، مورد تردید قرار داده‌اند (اسمیلی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲). در مقابل، عده‌ی دیگری از ساخت‌وساز مسئولیت جمعی به‌خاطر آن‌که از نظر تئوری معقول و از نظر عملی ارزشمند است، دفاع می‌کنند. درباره‌ی مسئولیت جمعی از نگاه نهج‌البلاغه اگرچه در حاشیه‌ی مباحث دیگر این متن، اشاراتی وجود دارد، با این حال پژوهش مستقلی در این باره یافت نشد. به‌عنوان نمونه می‌توان به شرح ناصر مکارم



شیرازی (۱۳۸۶) و شرح محمدتقی جعفری (۱۳۷۶) اشاره کرد.

اگرچه بحث پیرامون موضوع مسئولیت اخلاقی جمعی سابقه‌ی دیرینه‌ای در تاریخ اندیشه‌ی یونانی و اسلامی دارد، اما از منظر تاریخ اندیشه، بحث فلسفی در مورد مسئولیت جمعی در دوران جدید و در اندیشه‌ی غرب، در جریان مباحثاتی که پس از جنگ جهانی دوم درباره‌ی نسل‌کشی رژیم نازی و جنایت علیه بشریت پدید آمد، شکل گرفت. یکی از پرسش‌های اساسی پیرامون این واقعه‌ی تاریخی این بود که آیا این، امر معقولی است که همه‌ی آلمانی‌ها مسئول مرگ قربانیان اردوگاه‌های اسرا محسوب شوند. کارل یاسپرس^۱ فیلسوف آلمانی، در کتابی با عنوان «مسئله‌ی تقصیر»^۲ به بررسی و تحلیل و داوری درباره‌ی این موضوع پرداخت. یاسپرس در این اثر، ابتدا به تفکیک اقسام تقصیر و مسئولیت‌های متناسب با آن‌ها پرداخته و در ادامه، پیامدهای هر یک از انواع تقصیر را برشمرده است. او از چهار قسم تقصیر: جزایی، سیاسی، اخلاقی و متافیزیکی سخن می‌گوید. تعریف اجمالی وی از هر یک از انواع تقصیر بدین قرار است:

≠ «تقصیرجنایی» با ارتکاب جرم و جنایت سر و کار دارد و قضاوت درباره‌ی آن برعهده‌ی دادگاه است. جنایات اعمالی هستند که قابل اثبات عینی‌اند و نص صریح قوانین را نقض می‌کنند.

≠ «تقصیر سیاسی» در ربط و نسبت با این مدعا تعریف می‌شود که تک‌تک افراد، مسئول حکومت و اعمال حاکمان خویش‌اند و قضاوت درباره‌ی تقصیر یا عدم تقصیر سیاسی، چه در عرصه‌ی سیاست داخلی و چه سیاست خارجی، برعهده‌ی قدرت و اراده‌ی فاتح است.

≠ در «تقصیر اخلاقی»، هر انسانی در مقام فرد، با تحلیل خود درمی‌یابد که در قبال اعمالی که مرتکب می‌شود، مسئولیت دارد و هر یک از اعمال وی در معرض داوری هستند. قضاوت درباره‌ی تقصیر یا عدم تقصیر اخلاقی برعهده‌ی وجدان شخصی فرد و هم‌چنین تعامل و هم‌بستگی فرد با کسانی است که صمیمانه، نگران روح وی هستند.

1. Karl Jaspers.

2. The Question Of German Guilt.

≠ در «تقصیر متافیزیکی»، «همبستگی و اتحادی میان انسان‌ها بماهو انسان وجود دارد که تک‌تک افراد را در قبال خطا و بی‌عدالتی در جهان مسئول می‌داند، به‌ویژه برای هر جنایتی که در حضور او و با علم او اتفاق می‌افتند. براین اساس اگر من در زمان کشتار دیگران حضور داشته باشم، اما جان خود را برای مانع‌شدن از این جنایت به‌خطر نیندازم، حس خواهم کرد مقصرم. در این نوع تقصیر، قضاوت تنها با خداست» (یاسپرس، ۱۳۹۶، ص. ۴۷). براساس این رویکرد، جرمی که علیه یهودیان لهستان صورت گرفت، فقط آلمانی‌ها را متهم نمی‌کند، بلکه کل انسان‌ها در مقام محکوم قرار می‌گیرند (همان، ص. ۶۰).

به‌این ترتیب به‌نظر می‌رسد که یاسپرس، مسئولیت جمعی را به‌معنای مسئولیت همگان در قبال اعمال و کرداری که از فرد یا گروهی از انسان‌ها سر زده است، می‌پذیرد.

هانا آرنه^۱ فیلسوف آلمانی نیز در بحث از همین مسأله، از اعلام جرم علیه «انسانیت» نام می‌برد و همه‌ی مردم دنیا را نسبت به این مسأله مسئول می‌داند (Kohler، ۱۹۹۳، ص. ۵۴). یکی از نظرات ویژه‌ی آرنه، گره‌زدن «مسئولیت» با «تعلق» است. از دید او هر قدر که فرد بنابر اراده‌ی خود، قدرت کم‌تری در ترک گروه و جمع خود داشته باشد، میزان مسئولیت وی کم‌تر است؛ گرچه از نظر وی، این معادله در مواردی مانند ملیت یا انسانیت، که فرد امکان ترک گروه را ندارد، تغییر کرده و میزان مسئولیت بسیار بزرگ‌تر می‌شود. اگر ما به‌عنوان وابستگان یک جامعه یا گروه، مرتکب خطاهای بزرگی شویم، آیا می‌توانیم از زیر بار مسئولیت خود، با توجه به تعلق گروهی و اجتماعی خود شانه خالی کنیم و به بهانه‌ی آن که در اتخاذ تصمیمات مهم نقشی نداشته‌ایم، برای خود نیز هیچ مسئولیتی قائل نشویم؟! تأمل در آرا و اندیشه‌های یاسپرس و آرنه نشان می‌دهد که این دو اندیشمند، مسئولیت جمعی را به‌معنای مسئولیت متقابل فرد و جمع در قبال اعمال و افعال یک‌دیگر پذیرفته‌اند.

در این مقاله کوشش می‌شود تا نگاه نهج‌البلاغه پیرامون مسئولیت جمعی و وجه تمایز احتمالی این نگاه با رویکرد فیلسوفان مورد اشاره را تبیین کنیم.





۲. مسئولیت اخلاقی

از نظر گونه‌شناسی، بحث از مسئولیت جمعی زیرمجموعه‌ی مسئولیت اخلاقی است. برای مسئولیت اخلاقی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. از جمله برخی مسئولیت اخلاقی را به معنای قابلیت مدح و ذم اجتماعی دانسته‌اند (Strawson، ۱۹۶۲، صص. ۱۵-۲۵)؛ گروه دیگری آن را به معنای توانایی و قابلیت توضیح و تفسیر یک رفتار یا یک صفت می‌دانند (Martin، ۱۹۹۹، ص. ۹۴) و عده‌ی دیگری نیز آن را به معنای پاسخگویی فرد می‌دانند، زمانی که بتواند اهداف خود را آزادانه انتخاب نموده و براساس آن رفتار نماید؛ این گروه معتقدند که فرد تنها در این صورت در برابر فعل خود مسئول خواهد بود (همان، ص. ۹۵). در این رویکرد، اختیار و آزادی، عنصر تعیین‌کننده‌ی مسئولیت اخلاقی تلقی می‌شود. در مواردی نیز مسئولیت را به معنای «در معرض مجازات بودن» یا «مسئولیت در برابر خداوند، که نتیجه‌ی آن مجازات و کیفر اخروی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۰) آورده‌اند. بنابر تعریف گروه دیگر، مسئولیت اخلاقی به معنای اقرار شخص به افعال صادره از خویش و آمادگی برای تحمل نتایج آن است (بدوی، ۱۹۷۶، ص. ۲۲۲).

علی‌الظاهر ارسطو^۱ نخستین کسی است که صریحاً نظریه‌ی «مسئولیت اخلاقی» را بنانهاده است. او در باب سوم از کتاب «اخلاق نیکوماخوس»^۲ با جمله‌ای کوتاه بحث مسئولیت اخلاقی را این‌گونه شروع می‌کند: «فضیلت به انفعالات و افعال بستگی دارد؛ این حالات یا ارادی هستند یا غیرارادی. اگر ارادی باشند، درخور تحسین یا ملامت؛ و اگر غیر ارادی باشند، مستحق گذشت و اغماض‌اند و گاهی هم سزاوار رحم». (ارسطو، ۱۳۸۱، ج ۱، ص. ۱۱۳). شرایط عام مسئولیت اخلاقی را از نگاه ارسطو می‌توان به دو دسته‌ی کلی طبقه‌بندی کرد:

نخست؛ شرط‌های سلبی که عبارت‌اند از جهل و اجبار، که تحقق این دو شرط به انتقای مسئولیت اخلاقی می‌انجامد. ارسطو می‌گفت: «شرط مسئولیت، در معرض ستایش و سرزنش قرار گرفتن اراده‌ی آزاد است» (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱، ص. ۳۸۶). بنابراین هر عملی که معلول جبر باشد، غیرارادی است و در نتیجه، شخص هیچ مسئولیتی در قبال آن ندارد

1. Aristotle.

2. Nicomachean Ethics.

(راس، ۱۳۷۷، صص. ۳۰۳-۳۰۱).

دوم؛ شرط‌های ایجابی که ذیل عنوان علم و قدرت قابل بحث‌اند و در اثبات مسئولیت اخلاقی نقش دارند (حبیبی و جوادی، ۱۳۹۴، ص. ۳۸). براین اساس، شرط مسئولیت اخلاقی این است که عامل باید از آن چه انجام می‌دهد یا پدید می‌آورد، آگاه باشد (اسمایلی، ۱۳۹۴، ص. ۹۳).

بنابراین از نظر ارسطو شروط اساسی و ضروری برای مسئولیت، وجود اختیار و اراده آزاد، آگاهی و قدرت هستند.

برای تعریف «مسئولیت اخلاقی» به نظر می‌رسد که باید به «وظیفه‌ی اخلاقی» توجه کرد. چنان که مسئولیت در هر حوزه‌ای مبتنی بر وظایف است و این وظیفه است که مسئولیت را با خود می‌آورد. در اخلاق هم مسئولیت با وظایف اخلاقی مرتبط است؛ یعنی مسئولیت به معنای موردبازخواست قرار دادن شخص در قبال وظایف اخلاقی است. شخص در مقابل وظایف اخلاقی که برعهده‌ی اوست، مواجه با سوال و بازخواست است؛ اگر وظایف خود را به درستی انجام دهد، مستحق مدح است و گرنه مستوجب مذمت خواهد بود. بدیهی است که مستوجب مدح و ذم بودن از پیامدهای مسئول بودن اوست. نتیجه آن که، مسئولیت درجایی معقول است که «مسئول» نسبت به امر مورد سؤال، وظیفه و تکلیفی داشته باشد. به همین جهت است که گفته می‌شود، مفهوم مسئولیت در قبال انجام یا ترک وظیفه مطرح می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲۱).

با ملاحظه‌ی تعاریف و دیدگاه‌های یادشده پیرامون مسئولیت اخلاقی، در ارزیابی کلی می‌توان گفت «مسئولیت جمعی» به مثابه یکی از انواع مسئولیت اخلاقی، عبارت است از مسئول و وظیفه‌مند بودن افراد در برابر افعال و اعمال خودناکرده، یعنی اعمالی که خود، مشارکت و مباشرتی در انجام آن نداشته‌اند. بدیهی است که مقصود از مسئولیت در این جا مسئولیت قانونی و حقوقی نیست.

۳. مسئولیت اخلاقی در نهج البلاغه

۳.۱. بستر گفتمانی مسئولیت اخلاقی در نهج البلاغه

نهج البلاغه متنی است از یک شخصیت بزرگ، که از پیشوایان عالی مسلمانان و تربیت‌شده‌ی مکتب قرآن کریم است. از این رو مناسبات بینامتنی عمیق و گسترده‌ای بین آن و قرآن کریم وجود دارد. در قرآن کریم مصادیقی هستند که در آن، کار و اقدام یک فرد از افراد یک اجتماع به همه‌ی افراد آن جامعه نسبت داده می‌شوند و یا حتی کار یک



نسل به نسل‌های بعدی منتسب می‌گردند. همانند آیه‌ی ۷۹ سوره‌ی بقره یا آیه‌ی ۱۱۲ سوره‌ی آل‌عمران. البته این مسائل در مواردی است که مردمی دارای یک تفکر اجتماعی و یک اراده‌ی اجتماعی و به‌اصطلاح دارای یک روح جمعی هستند (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص. ۳۴۱). از نظر قرآن، همگان در برابر اعمال و سرنوشت اجتماع مسئول هستند و وظیفه دارند امنیت روانی و اخلاقی جامعه را حفظ کنند. از این‌رو در آیاتی از قرآن یکی از مصادیق مهم‌ترین وظایف انسان، وظیفه‌ی اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر معرفی شده و از همگان خواسته شده است تا نسبت به رفتارهای دیگران حساسیت به خرج دهند و نظارت کامل و دقیقی بر اعمال خود و دیگران داشته باشند (آل‌عمران، ۱۰۴ و ۱۰۵). در آیه‌ی ۶۳ سوره‌ی مائده نیز، ترک‌کنندگان نهی از منکر در جامعه، شریک جرم گناهکاران و دارای سرنوشتی همسان و مشترک با آنان معرفی می‌شوند تا روشن شود که نظارت در عمل اجتماعی تا چه پایه از جایگاه و ارزش و اهمیت برخوردار است و هرگونه کوتاهی در این زمینه گناهی بزرگ محسوب می‌شود. از نظر قرآن، گروه بی‌تفاوت و تارک امر به معروف و نهی از منکر، در حقیقت فرد یا گروهی هستند که به مسئولیت خویش نسبت به سرنوشت جامعه بی‌توجه‌اند و در شمار متمردان قرار دارند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص. ۱۰۵). یکی از مهم‌ترین آیاتی که به‌نحو واضح می‌توان مفهوم مسئولیت جمعی را از آن استنباط کرد، آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی انفال است. در این آیه‌ی شریفه آمده است: «وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». مفسرین و علمای بزرگ مسلمان اعم از شیعه و سنی دلالت روشن این آیه بر مسئولیت جمعی را مورد تأکید قرار داده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص. ۶۶ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص. ۵۵).

۳،۲. مسئولیت، مرز تمایز انسان و حیوان

دقت و تأمل در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام دارا بودن مسئولیت را مرز انسانیت و وجه تمایز انسان و حیوان دانسته است. (ان البهائم همها بطونها...) (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵۳). در حقیقت از نگاه نهج‌البلاغه، مسئولیت اخلاقی مبتنی بر مبادی و عناصری است که از ممیزات انسان در برابر حیوان به‌شمار می‌آید؛ ممیزات و ویژگی‌هایی چون عقل، اختیار و آزادی.

۳،۳. قلمرو مسئولیت اخلاقی از نگاه نهج‌البلاغه

یکی از پرسش‌هایی که در بحث از مسئولیت اخلاقی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است، موضوع قلمرو مسئولیت اخلاقی است. اندیشمندانی که از منظر غیردینی به این

بحث پرداخته‌اند، غالباً مسئولیت اخلاقی را در سه قلمرو معین: مسئولیت انسان نسبت به «خود»، مسئولیت نسبت به «دیگری» و مسئولیت نسبت به «جهان» مورد بحث قرار داده‌اند. تأمل و دقت در نهج‌البلاغه نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام، علاوه بر سه‌گانه‌ی یادشده، نوع دیگری از مسئولیت، یعنی مسئولیت انسان در برابر خداوند را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. بنابراین در یک نگاه کلی می‌توان انواع مسئولیت را از منظر ایشان، به مسئولیت متافیزیکی یا مسئولیت انسان در برابر خداوند، مسئولیت نسبت به خود، مسئولیت نسبت به دیگری و مسئولیت فرد و جامعه نسبت به جهان و به‌معنای دقیق‌تر نسبت به محیط زیست و حیوانات و فضا و اشیاء تقسیم کرد.

۳،۳،۱. مسئولیت در برابر خداوند

نخستین و مهم‌ترین مسئولیت انسان در دنیا، مسئولیت او در برابر خداوند متعال است. «معرفة الله سبحانه أعلى المعارف؛ معرفت خدای سبحان بلندمرتبه‌ترین معرفت‌هاست» (آقاجمال خوانساری، ۱۳۷۶، ج ۷، ص. ۸۱). براین اساس از جمله‌ی مسئولیت‌هایی که انسان در برابر خداوند متعال دارد، این است که حق معرفت را در خصوص معبود خود به‌جای آورد. حضرت با تعبیر خاصی، انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «ایها العافلون غیرالمغفول عنهم، والتاركون المأخوذ منهم ما لی اراکم عن الله ذاهبین و الی غیره راغبین» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵).

در نهج‌البلاغه درباره‌ی مسئولیت انسان در برابر خالق هستی، بیانات وافر و وجود دارد. در یکی از این فرازها، امام به سیاق بیش‌تر خطب نهج‌البلاغه، با تعبیر عمیق و موثر خود بر مسئولیت انسان در برابر خداوند تأکید کرده و می‌فرماید:

«أدحض مسؤل حجه و أقطع مُعتر مَعذره لقد أُبرح جهاله بِنَفْسِهِ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا جَرَأَكَ عَلَى ذَنْبِكَ وَ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ وَ مَا أَتَسَكَّ بِهَلَكَةِ نَفْسِكَ أَمْ مَا مِنْ ذَائِكَ بُلُولٌ أَمْ لَيْسَ مِنْ نَوْمَتِكَ يَقْظُهُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۳). این انسان (در برابر گناهی که انجام می‌دهد) نادرست‌ترین دلیل برای خود اقامه می‌کند و این بی‌خبر مغرور به بدترین عذر متوسل می‌شود؛ چراکه نسبت به خود بیش‌ترین جهالت را دارد! ای انسان! چه چیز تو را بر گناهت جسور ساخته و چه چیز تو را در مقابل پروردگارت مغرور کرده؟ و چه چیز تو را به هلاکت خویش علاقه‌مند نموده است. آیا درد تو درمان ندارد یا از این خوابت بیداری نیست؟! (مکارم شیرازی)



۳,۳,۲. مسئولیت در برابر خود

در نظام اندیشه‌ای امام علی، انسان برخوردار از جایگاه و حیثیتی عظیم است؛ از این رو توجه به این جایگاه و پایبندی به لوازم آن مورد تأکید ایشان است. «اتزعم انک جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر». بر همین اساس و با توجه به این موقعیت بی‌بدیل انسان در نظام آفرینش، انسان در برابر همه‌ی امکان‌ها و ظرفیت‌های وجودی خویش مسئول است. تأکید امام بر مسئولیت انسان در قبال نعمت‌ها و موهبت‌های الهی، از جمله‌ی این موارد است: «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ فَإِنَّ اللَّهَ فَارَضَ عَلَيَّ جَوَارِحِك كُلَّهَا فَرَأَيْتُ يَحْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۸۲).

۳,۳,۳. مسئولیت نسبت به جهان

در هستی‌شناسی اسلامی، جهان وعاء موجودیت آدمی، محیط زندگی او و محل عبادت خداوند است و چون انسان با جهان رابطه وجودی دارد، از این رو بین وضع جهان و فعل انسان رابطه‌ی متقابل در جریان است؛ به تبع این رابطه‌ی متقابل می‌توان نوعی مسئولیت اخلاقی برای انسان در قبال جهان تعریف کرد (حیسی و اکبری، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). تلقی امام علی علیه السلام از قلمرو و دایره مسئولیت، مؤید چنین نگرشی است. قلمرو مسئولیت از نگاه حضرت، تنها مختص به انسان‌ها نیست، بلکه این مسئولیت به سراسر عالم وجود و همه‌ی قلمروهای زندگی تسری و تعمیم می‌یابد: «اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). بر اساس بیان مذکور، امام افراد جامعه را نسبت به یک‌دیگر و نیز نسبت به محیط زیست و حتی در قبال حیوانات مسئول می‌داند. «مسئولیت درباره‌ی همه‌ی آن‌چه زیر دست انسان قرار می‌گیرد و موجودیتش دارای خیر و استعداد بهره‌وری و بهره‌دهی برای انسان و خویشتن است، در مکتب اسلام یک موضوع احساساتی بی‌اساس نیست، بلکه ناشی از مسئولیت فقهی و حقوقی آدمی درباره‌ی هر موجودی است که به‌نوعی در کارگاه خلقت در مسیر خیر و دخالت در اهداف عالی‌هی انسانی قرار دارد» (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲۷، ص. ۲۹۷).

۳,۳,۴. مسئولیت نسبت به دیگری

نوع دیگر مسئولیت از نگاه نهج البلاغه که در حقیقت موضوع اصلی بحث این مقاله در ذیل آن قرار می‌گیرد، مسئولیت نسبت به دیگری است. برخی از فلاسفه مسئولیت را به «بی‌تفاوت‌نبودن نسبت به دیگری» تعریف کرده‌اند (جهانگلو، ۱۳۸۳، ج ۱، ص. ۲۵۶). شواهد فراوانی در نهج البلاغه دال بر اهمیت مسئولیت انسان نسبت به «دیگری» است. در این

میان مسئولیت علما و دانشمندان به دلیل برخورداری از موهبت علم و آگاهی بیش و پیش از دیگر افراد جامعه مورد توجه و تاکید قرار گرفته است. امام در نهج عدالت‌پرور خود می‌فرماید: «ما اخذ الله علی اهل الجهل ان يتعلموا حتی اخذ علی اهل العلم ان يعلموا» (قصار الحکم، ۴۷۸). در بیان دیگر، امام علیه السلام بر مسئولیت و رسالت علما در حمایت از ستمدیدگان در برابر ظلم ظالمان به‌عنوان یک پیمان الهی تأکید نموده‌اند (نهج البلاغه، خطبه ۳). ایشان در نامه ۴۵ نهج البلاغه، بر مسئولیت عمومی و مسئولیت حاکم در توجه به وضعیت و شرایط و پرهیز از غفلت نسبت به طبقات مختلف جامعه - به‌ویژه محرومان - تاکید نموده و می‌فرمایند:

لیکن هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید و حرص مرا به گزیدن خوراک‌ها نخواهد کشید. چه بود که در حجاز یا یمامه کسی حسرت‌گرده نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد و من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته. یا چنان باشم که گوینده سروده: «درد تو این بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت جگرهایی بود در آرزوی پوست بزغاله.

واکنش امام در خطبه ۲۷ در قبال اهانت و تعدی به یکی از شهروندان یهودی تبعه‌ی دولت اسلامی، حاکی از عمق مسئولیت‌شناسی حضرت، نه‌تنها به‌عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی بلکه به‌عنوان عضوی از جامعه است:

شنیده‌ام مهاجم به خانه‌های مسلمانان و کسانی که در پناه اسلام‌اند درآمده، گردن‌بند و دستبند و گوشواره و خلخال از گردن و دست و پای زنان به در می‌کرده است؛ حالی که آن ستمدیدگان برابر آن متجاوزان، جز زاری و رحمت‌خواستن سلاحی نداشته‌اند. سپس غارت‌گران، پشتواره‌ها از مال مسلمانان بسته، نه کشته‌ای بر جای نهاده و نه خسته، به شهر خود بازگشته‌اند. اگر از این پس مرد مسلمانی از غم چنین حادثه‌ای بمیرد، چه جای ملامت است که در دیده‌ی من شایسته‌ی چنین کرامتی است.

علی علیه السلام سکوت در برابر ستم‌های رفته بر مردم را جایز نمی‌داند و در این میان، تفاوتی در مسلمان و غیرمسلمان بودن انسان‌ها نمی‌گذارد و این، نشان‌دهنده‌ی اوج مسئولیت انسان مسلمان در برابر هم‌نوعان است.

از مصادیق دیگر مسئولیت انسان نسبت به دیگران، از نگاه امام، می‌توان به مسئولیت در قبال همسایگان اشاره کرد که در وصایای حضرت بر آن تأکید شده است: «و خدا را! خدا را! همسایگان را بپایید که سفارش‌شده‌ی پیامبر شمایند؛ پیوسته درباره‌ی آنان سفارش



می فرمود چندان که گمان بردیم برای آنان ارثی معین خواهد نمود» (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

۴. مسئولیت اخلاقی جمعی در نهج البلاغه

مهم‌ترین فراز از نهج البلاغه که در آن به بحث «مسئولیت جمعی» توجه شده و با دقت و تأمل در آن می‌توان ابعاد و زوایای مختلف موضوع مسئولیت جمعی را از نگاه امام علی تحلیل و بررسی کرد، بیانی است که امام با استناد به داستان ناقه صالح علیه السلام در قرآن کریم، چنین می‌فرماید:

ایها الناس انما یجمع الناس الرضا و السخط، و انما عقر ناقة ثمود رجل واحد، فعمهم الله بالعذاب لما عموه بالرضا، فقال سبحانه: «ففقروها فاصبحوا نادمین» فما كان الا ان خارت ارضهم بالخسفه خوار السکه المحماء فی الارض الخواره.^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱)

از نظر شارحین نهج البلاغه، معنای این سخن امام علیه السلام این است که رضایت و خشنودی مردم به منکرات و گناهان، آنان را در عذاب خداوند شریک یک‌دیگر می‌سازد و به گرد هم درمی‌آورد. هرچند بیش‌تر این مردم مرتکب اعمال مذکور نشده باشند (ابن میثم، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص. ۸۵۸). از نظر ابن میثم، ضمیر «هاء» در فعل «عموه» به رجل یا به عقر که مدلول جمله عقر می‌باشد، برگشت دارد؛ یعنی زیرا با اظهار خشنودی به این گناه، عمل زشت آن مرد را میان خود تعمیم دادند (همان). ابن ابی‌الحدید (۱۴۰۴ق) در شرح سخن امام علیه السلام می‌گوید: عقوبت تنها برای کسی که آن جرم را به عینه انجام داده نیست، بلکه برای کسی که آن جرم را مرتکب شده و کسی هم که به آن رضایت داده؛ اگرچه شخصاً مباشرت در آن امر نداشته، می‌باشد (ج ۱۰، ص. ۲۶۲).

علامه طباطبایی در شرح و تبیین بیان امام علی علیه السلام می‌فرماید:

چنان که امام علیه السلام، تصریح کرده‌اند، در داستان مورد اشاره، قرآن، کشتن ناقه را به همه‌ی قوم نسبت داده، باین‌که عامل قتل بیش از یک نفر نبود و این بدان جهت است که بقیه‌ی

۱. ترجمه: مردم! خشنودی و خشم از چیزی، همگان را در پیامد آن شریک سازد و کیفر یا پاداش آن‌چه را بدان راضی شده‌اند، به آنان بپردازد. چنان‌که ماده شتر ثمود را یک تن پی نمود و خدا همه‌ی آنان را عذاب فرمود، چراکه گرد اعتراض نگردیدند و همگی آن کار را پسندیدند و خدای سبحان گفت: «ماده شتر را پی کردند و سرانجام پشیمان شدند» و دیری نپایید که زمین‌شان بانگی کرد و فرو رفت، چنان‌که در زمین سست، آهن تفت.

قوم نیز مقصر بودند؛ چون به عمل آن یک نفر، رضایت داشتند. در حقیقت از نگاه امام، دو چیز همه‌ی مردم را در یک عمل خیر و یک عمل زشت جمع می‌کند، به‌طوری‌که یک عمل، عمل همه محسوب می‌شود. اول رضایت، و دوم نارضایتی نسبت به آن عمل. همچنان‌که ناقه‌ی صالح را بیش از یک نفر پی نکرد، ولی خدای تعالی عذاب را بر همه‌ی قوم نازل کرد؛ چون همه به عمل آن یک نفر راضی بودند. (طباطبایی، ج ۱۵، ص. ۴۳۳ و نیز مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۸، صص. ۲۱-۲۸)

در تبیین بهتر نظر امام علیه السلام به شواهد دیگری از سخنان حضرت در سایر منابع حدیثی می‌توان مراجعه نمود؛ از جمله در بیان دیگری از آن حضرت این‌گونه نقل شده است: «العامل بالظلم و الراضی به و المعین علیه شرکاء ثلاثه» (شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۱۴۰). در این بیان، کسی که ظلم می‌کند و فردی که رضایت به آن دارد و آن‌که به ظالم کمک می‌کند، هر سه در یک عمل شریک‌اند. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «انما یجمع الناس الرضا و السخط فمن رضی امرأً فقد دخل فیه و من سخطه فقد خرج منه»^۱ (همان، ج ۱۶، ص. ۱۴۰). علی علیه السلام در تبیین مسئولیت جمعی با اشاره به ماجرای جمل می‌فرماید:

فوالله لو لم یصیبوا من المسلمین الا رجلاً واحداً معتمدين لقتله بلا جرم لحدّ لی قتل ذلک الجیش کلّه اذ حضروه ولم ینکروا ولم یدفعوا عنه بلسان ولاید دع ما انهم قد قتلوا من المسلمین مثل العده الّتی دخلوا بها علیهم.^۲ (همان، ج ۱۶، ص. ۱۴۱)

نکته‌ی مهم در بیان اخیر امام این است که تنها خشنودی و رضایت به فعل و عملی ناپسند، موجب مسئولیت نیست، بلکه چه‌بسا سکوت فرد یا گروه‌هایی از جامعه در قبال اعمال و افعالی که فرد یا گروه‌های دیگری از جامعه مرتکب می‌شوند نیز موجب مسئولیت اخلاقی در قبال پیامدهای آن اعمال می‌شود. در حقیقت، آن‌چه فرد را در معرض

۱. ترجمه: رضایت‌داشتن و خشم کردن، مردم را با هم می‌سازد؛ هرکس که به کاری رضایت دهد، در آن دخالت داشته است و هرکس بر کاری خشم گیرد، از آن کار بیرون است.

۲. ترجمه: به‌خدا سوگند! اگر لشکر جمل تنها به یک نفر مسلمان بدون جرم، به‌قصد کشتن وی آسیب می‌زدند، کشتن همه‌ی آن لشکر برای من حلال می‌شد؛ چراکه همه حاضر بوده‌اند و انکار نکرده‌اند و با زبان و دست از وی دفاع نکرده‌اند. بگذریم که آنان به تعداد خودشان از مردم کشته‌اند.





مسئولیت قرار می‌دهد، علاوه بر سببیت و مباشرت در انجام فعل و یا رضایت و خشنودی نسبت به آن، سکوت و بی‌تفاوتی در مواجهه با آن اعمال و افعال است. از نظر شهید مطهری (۱۳۸۷) رضایت و خشنودی به گناهی، مادام که صرفاً خشنودی باشد و عملاً شرکت در آن گناه تلقی نشود، گناه شمرده نمی‌شود... خشنودی آن‌گاه گناه تلقی می‌گردد که فرد به شکلی در تصمیم به گناه افراد دیگر موثر تلقی شود. از نظر ایشان، گناهان اجتماعی از این قبیل هستند (ج ۲، ص ۳۴۲). به نظر می‌رسد بیان شهید مطهری در این زمینه، در حقیقت موید بیان امام است؛ چراکه حتی رضایت و خشنودی نسبت به یک عمل (اعم از اعمال پسندیده یا ناشایست) می‌تواند موجب ترغیب و تشویق کنش‌گر و اثرگذاری بر تصمیم وی در ارتکاب عمل گردد. فراتر از این، در قرآن کریم گاهی حتی کار یک نسل به نسل‌های بعدی نسبت داده می‌شود؛ همان‌طور که کارهای گذشته‌ی قوم بنی‌اسرائیل را به مردم زمان پیغمبر نسبت می‌دهد و می‌فرماید این‌ها به‌موجب این‌که پیامبران را به‌ناحق می‌کشند، استحقاق ذلت و مسکنت دارند. مسلماً این امر بدان سبب است که آن‌ها از نظر قرآن، ادامه و امتداد همان‌ها و بلکه از نظر روح جمعی، عین آن‌ها هستند که هنوز هم ادامه دارند (همان، ص ۳۴۳).

علامه طباطبایی معتقدند اگر جامعه‌ای دارای روح واحد و تفکر اجتماعی واحدی گردید، حکم یک فرد انسان را پیدا می‌کند و افرادش همانند قوا و اعضای انسان می‌گردند که ذاتاً و فعلاً در شخصیت انسان مستهلک می‌باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۱۲). بنابراین نه‌تنها شرکت در عمل یا تهیه‌ی مقدمات و اعانت بر گناه و ستم، سبب شرکت در نتیجه می‌شود، بلکه رضایت قلبی و حتی سکوت در قبال انجام اعمال دیگری نیز همین نتیجه را دربر دارد. بیان زیر از امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه شاهده‌ی بر این مدعاست: «الرّاضی بفعل قوم کالداخل فیهم وَ عَلَی کُلِّ دَاخِلٍ فِی بَاطِلٍ اِثْمَانٍ اِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ اِثْمُ الرّضَى بِهِ»^۱ (قصار الحکم، ۱۵۴).

آن‌چه از بیان اخیر امام می‌توان دریافت، این است که اگرچه اعضای یک جامعه و

۱. ترجمه: کسی که به کار گروهی راضی باشد همچون کسی است که با آن‌ها در آن کار شرکت کرده است؛ اما کسی که عملاً شرکت کرده دو گناه دارد، گناه عمل و گناه رضایت. و آن‌کس که فقط راضی بوده، یک گناه دارد.

گروه در قبال اعمال و کنش‌های جمعی خود مسئول شناخته می‌شوند، باین‌حال مسئولیت شرکت‌کنندگان در یک عمل با مسئولیت رضایت‌دهندگان به آن عمل یکسان و بالسویه نیست و رعایت انصاف در تعیین مسئولیت اعضای جامعه، امری ضروری است. بیان صریح امام مبنی بر تفکیک «شرکت‌کنندگان در عمل» و «رضایت‌دهندگان به عمل» گواه این حقیقت است.

در تایید همین معنا، در فقره‌ای دیگر از نهج‌البلاغه در خطبه ۱۲، علی علیه السلام وقتی سخن یکی از اصحاب خود را بعد از جنگ جمل شنید که آرزوی حضور برادرش را در این میدان و سهیم‌شدن در این پیروزی می‌کرد، فرمود: «نه تنها او با ما بود، بلکه گروه‌هایی که هنوز از مادر متولد نشده‌اند و بعد از تولد، هم عقیده با ما خواهند بود نیز در این میدان حضور داشتند و در این پیروزی سهیم بودند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۱، صص. ۵۰۴-۴۹۷). این سخن افق تازه‌ای را در مطالعات اسلامی در برابر چشم ما می‌گشاید و به همگان هشدار می‌دهد که مراقب پیوندهای قلبی و رضا و سخط باطنی باشند. این مطلب به قدری اهمیت دارد که در روایات متعددی از پیشوایان معصوم شیعه به آن اشاره شده است. شیخ حر عاملی در کتاب *وسائل*، در ابواب امر به معروف و نهی از منکر بابی تحت عنوان «وَجُوبُ إِنْكَارِ الْمُنْكَرِ بِالْقَلْبِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ تَحْرِيمُ الرِّضَا بِهِ وَ وَجُوبُ الرِّضَا بِالْمَعْرُوفِ» ذکر کرده و در آن باب، هفده حدیث در این زمینه آورده است؛ از جمله در حدیث مفصلی از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرده که فرمود: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ فَرَضِي بِقَتْلِهِ رَجُلٌ بِالْمَغْرِبِ لَكَانَ الرَّاضِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شَرِيكُ الْقَاتِلِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص. ۱۳۹ و ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱، ص. ۲۷۳).

از شواهد و مصادیق یادشده می‌توان دریافت که از نگاه امام، آن‌گونه که در نهج‌البلاغه نمود یافته‌است، نه تنها مشارکت و مباشرت در عمل یا معاونت در مقدمات، سبب سهیم‌بودن در نتیجه‌ها و موجب مسئولیت می‌شود، بلکه رضایت قلبی نیز این اثر را دارد. پرسش مهمی که در این‌جا پیش می‌آید، این است که آیا صرف سکوت کردن فرد در قبال فعل و یا عملی، حتی اگر از سر رضایت نباشد، موجب مسئولیت است؟ به بیان دیگر،

۱. ترجمه: اگر کسی در شرق عالم قتلی انجام دهد و دیگری در غرب جهان راضی به آن قتل باشد، در پیشگاه خدا

شریک قاتل خواهد بود.





در شرایطی که فرد یا گروهی مشارکت و مساهمتی در انجام یک عمل اجتماعی نداشته‌اند و حتی رضایتی هم نسبت به آن عمل نداشته‌اند و تنها نسبت به آن سکوت کرده و واکنشی به آن یا علیه آن نشان نداده‌اند، آیا نسبت به عمل اجتماعی انجام یافته دارای مسئولیت هستند؟ در پاسخ به پرسش یادشده می‌توان گفت که تاکید امام علیه السلام بر امر به معروف و نهی از منکر و پیامدهای ترک این فریضه‌ی اجتماعی، دلالت بر مسئولیت همگان نسبت به سرنوشت جمعی جامعه دارد. بر این اساس بدیهی است که اهمال در عمل به این فریضه، هر آینه به معنای مساهمت و مشارکت در وقوع اعمال و افعال ناشی از ترک امر به معروف و نهی از منکر است: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷). حضرت تاکید دارند که امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید، زیرا اشرار بر شما مسلط می‌شوند؛ آن‌گاه هر چه قدر دعا کنید، مستجاب نمی‌گردد.

البته درجه‌ای از امر به معروف و در حقیقت پایین‌ترین درجه‌ی آن، عدم رضایت قلبی نسبت به منکر است؛ در این صورت، طبعاً مسئولیتی متوجه فرد عدم راضی نخواهد بود. در حقیقت، سکوت و بی‌عملی در برابر اعمال و وقایعی که در جامعه روی می‌دهند، به‌ویژه اعمال و رفتارهایی که بر سرنوشت جامعه تاثیرگذار هستند، مسئولیت‌آفرین‌اند. از بیان امام می‌توان چنین برداشت کرد که تحت هیچ شرایطی نباید در برابر آن‌چه در جامعه روی می‌دهد، بی‌تفاوت و ساکت بود و البته پایین‌ترین مرتبه‌ی این ادای مسئولیت می‌تواند انکار قلبی باشد.

در همین راستا، آن حضرت در جای دیگری از نهج البلاغه می‌فرماید: «لو لم تتخاذلوا عن نصر الحق، و لم تهنوا عن توهين الباطل، لم یطمع فیکم من لیس مثلکم، و لم یقو من قوی علیکم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۶). یعنی اگر دست از حمایت یک‌دیگر در یاری حق بر نمی‌داشتید و برای تضعیف و زبون ساختن باطل، سستی نمی‌کردید، هیچ‌گاه آنان که همپای شما نیستند، در نابودی‌تان طمع نمی‌ورزیدند و هیچ نیرومندی بر شما قدرت پیدا نمی‌کرد. آن‌چه از بیان راه‌گشای امام در این‌جا می‌توان دریافت، این است که مسئولیت‌ناشناسی و بی‌تفاوتی یا سکوت در برابر آن‌چه در جامعه روی می‌دهد، می‌تواند منجر به تضعیف و نابودی جبهه‌ی حق شود؛ در چنین شرایطی، بدیهی است که افراد و مجموعه‌های انسانی که در نتیجه‌ی عمل آنان چنین نتایج و پیامدهایی حاصل شده است، مسئول خواهند بود.

۵. دلالت‌های سیاسی و اجتماعی باور به مسئولیت جمعی

پرسشی که در این جا قابل طرح است، این است که اگر مسئولیت جمعی را به معنای بازخواست اخلاقی شخص در مورد وظایف اخلاقی‌اش نسبت به جامعه و دیگران بدانیم، آثار و پیامدهای سیاسی عملی مترتب بر آن چیست؟ به بیان دیگر، اگر جامعه را در قبال نتایج و پیامدهای اعمالی که از افراد جامعه سر زده است، دارای مسئولیت اخلاقی بدانیم و علاوه بر آن، آحاد و افراد جامعه نیز به این امر باور داشته باشند که در قبال اعمال و کنش‌های جمعی نیک و بد دیگران مسئول هستند، در این صورت، پیامدها و استلزامات سیاسی و اجتماعی چنین باوری چه خواهد بود؟ پاسخ به این پرسش، ضرورت و اهمیت پرداختن به مفهوم مسئولیت اخلاقی جمعی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. به نظر می‌رسد یکی از استلزامات و دلالت‌های قطعی و اجتناب‌ناپذیر باور به مسئولیت جمعی در عرصه‌ی عمومی و سیاسی، تقویت روح همبستگی اجتماعی به عنوان یکی از فضیلت‌های مدنی و سیاسی است. «همبستگی» در اندیشه‌ی سیاسی معاصر، یکی از هنجارهای محوری جهت تحقق زندگی به سامان و نیک است (منوچهری، ۱۳۸۳، ص. ۱۸۳). جامعه‌ای که در آن فقط ترس، سامان‌بخش رفتار اعضای آن نسبت به یکدیگر باشد، البته قابل تصور است؛ اما چنان جامعه‌ای بسی شکننده و آسیب‌پذیر خواهد بود و هر بحران تصادفی، خطر فروپاشی آن را در بر خواهد داشت (کولاکوفسکی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۱).

باور عمومی به مسئولیت جمعی و پایبندی به لوازم آن، می‌تواند از عوامل جدی تاثیرگذار بر تحکیم همبستگی به مثابه یک فضیلت سیاسی در جهت تحقق بخشیدن به جامعه‌ای سامان‌یافته و مطلوب و آرمانی باشد. علاوه بر این، پذیرش ایده‌ی مسئولیت جمعی و نهادینه شدن و عمومیت یافتن آن، موجب ایجاد نوعی مسئولیت تضامنی افراد جامعه در قبال سرنوشت یکدیگر و تضعیف و محو روحیه‌ی «تواکل» خواهد شد. با توجه به معنای واژه‌ی «تواکل» یعنی موکول کردن انجام کار به یکدیگر و یا احاله دادن و واگذاری کار یا سخن به دیگری (کورانی، ۱۳۹۲، ص. ۷۷۲).

باور عمومی به مسئولیت جمعی، در حقیقت مانع از رواج و گسترش روحیه‌ی بی‌مسئولیتی و واگذاردن مسئولیت خود به دیگری و شانه خالی کردن از زیر بار تعهد و مسئولیت اجتماعی خواهد شد. امروزه یکی از بحران‌های جدی، که جوامع بشری را تهدید می‌کند، فاصله گرفتن از مسئولیت اخلاقی است. در حقیقت، تمدن لیبرال غرب به دلیل تاکید مفرط بر مفهوم فردیت و محوریت بخشیدن بر سوژه، به شکلی متناقض‌نما در معرض غفلت از مسئولیت اخلاقی است. فلسفه‌ی لیبرال که در مقام نظر مدعی تقویت ابتکار و





استقلال فردی و روح مسئولیت‌پذیری هر یک از اعضای جامعه در مورد زندگی خویش است، در عمل، شرایطی را ایجاد کرده است که هر کس فقط به دنبال رفع نیازهای خود باشد و این باور را تقویت و ترویج کرده است که مقوله‌ی وظیفه، متعلق به حوزه‌ی عواطف است، نه جزو سرشت دنیای انسانی. با چنین چشم‌انداز و رویکردی، طبیعی است که دنیا برای افراد انسانی، مکانی برای کسب منافع به نظر خواهد رسید و ایده‌ی مسئولیت صرفاً به معنای امری قراردادی، بیهوده و پوچ تلقی خواهد شد و بدین سان واقعیت سوژه‌ی انسانی نیز از میان خواهد رفت. این سخن بدین معناست که بشارت ایده‌ی لیبرال، علیه خودش قد علم می‌کند، خودمحوری، قاتل «خود» می‌شود و نفس‌پرستی، نفس را می‌کشد (کولاکوفسکی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۸).

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه، در عین به رسمیت شناختن هویت و استقلال فرد به عنوان سوژه‌ای که در دنیا و عقبی می‌باید پاسخ‌گوی هرگونه فعل و ترک فعل خود باشد، بر مسئولیت جمعی به معنای وظیفه‌مند بودن افراد جامعه در قبال اعمال و کردار دیگران تأکید کرده‌اند. در حقیقت، رویکرد امام به مقوله‌ی مسئولیت اخلاقی جمعی، در تقابل با نگرش لیبرال و نیز در تعارض با نگرش‌های توتالیتر قرار می‌گیرد؛ اولی تهدیدکننده‌ی همبستگی اجتماعی است و دومی امنیت و کرامت فردی را نادیده می‌گیرد و جامعه‌ای ناامن و همبستگی و نظم‌ی ماشینی را تحمیل می‌کند.

نتیجه

«مسئولیت جمعی»، که با استناد به نهج‌البلاغه و از نگاه امام علی علیه السلام در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گرفت، از شمار مباحث بسیار مهم و مورد توجه فلاسفه و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف فکری از جمله در قلمرو فلسفه‌ی اخلاق، حقوق و سیاست است. بحث مسئولیت جمعی ناظر بر مواردی است که خود فرد به‌طور مستقیم در انجام یک عمل نقشی ندارد، باین حال و از طریق تعلق به یک گروه یا فرهنگ مشخص، در آن عمل مشارکت داشته است. در نهج‌البلاغه به موضوع مسئولیت اخلاقی به معنای عام و گسترده‌ی آن، و به مسئولیت جمعی به عنوان یکی از سطوح و مراتب مسئولیت اخلاقی پرداخته شده است. مهم‌ترین فراز از نهج‌البلاغه که در آن به بحث «مسئولیت جمعی» توجه می‌شود، خطبه‌ی ۲۰۱ می‌باشد. هرچند با تأمل و دقت در متن نهج‌البلاغه می‌توان شواهد و مؤیدات دیگری را نیز برای این موضوع ارائه کرد که در این جستار به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شده است.

نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی مسئولیت جمعی در اندیشه امام علی در نهج البلاغه، در قیاس با رویکردهای دیگر، این است که با توجه به مبانی هستی‌شناختی امام و تاکید آن حضرت بر وحدت نظام عالم و غایت‌مندی هستی و تعهد انسان‌ها نسبت به سرنوشت یک‌دیگر، تلقی امام از مفهوم مسئولیت بسیار عمیق‌تر و فراگیرتر از تلقی و فهم اندیشمندان غربی است که به این موضوع پرداخته‌اند. اگرچه برخی از متفکران غربی، به‌ویژه در دوره‌ی معاصر، تاملات مهمی درباره‌ی مسأله مسئولیت جمعی داشته‌اند و بر مسئولیت به‌عنوان خصیصه‌ی ذاتی انسان و مسئول‌بودن افراد در برابر کردار و عمل دیگران تاکید ورزیده‌اند، با این حال به نظر می‌رسد باور اساسی به ایده‌ی مسئولیت جمعی مستلزم بنیان‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی است که این مبانی در اندیشه‌ی غربی غایب‌اند. با تکیه بر مبادی معرفتی اسلام است که مسئولیت جمعی در سراسر مناسبات انسانی جریان دارد. از نظر امام علی علیه السلام نه تنها شرکت در عمل یا معاونت در تمهید مقدمات آن موجب مسئولیت می‌شود، رضایت قلبی نسبت به یک عمل و بلکه سکوت در قبال آن نیز (حتی اگر از سر رضایت هم نباشد)، به منزله‌ی مشارکت و مساهمت در انجام آن عمل و موجب مسئولیت در قبال آثار و پیامدهای آن خواهد بود.

قابل ذکر است که مسئولیت هر یک از مشارکت‌کنندگان در یک عمل جمعی، بستگی به میزان مساهمت آنان در وقوع فعل و عمل دارد. واضح است که پذیرش این اندیشه و نهادینه‌شدن آن در ذهن و جان انسان‌ها و جامعه‌ی بشری می‌تواند مبدأ و منشأ تحولات عمیق و فراگیر در جهت استقرار یک جامعه، مبتنی بر حس هم‌بستگی و صلح و دوستی شود.



3

مسئولیت جمعی

از نگاه امام علی

علیه السلام

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

در نهج البلاغه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- 0 نهج البلاغه. (۱۳۷۶). (ج. شهیدی، مترجم). تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- 0 ابن ابی الحدید، ع. (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه. (م. ا. ابراهیم، محقق). (ج ۱۰). قم: مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
- 0 ابن بابویه، م. (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام. (ج ۱). تهران: نشر جهان.
- 0 ابن میثم، م. (۱۴۱۷ق). شرح نهج البلاغه. (م. ص. عارف و همکاران، مترجم). (ج ۳). مشهد: آستان قدس رضوی.
- 0 ارسطو (۱۳۸۱). اخلاق نیکوماخوس. (ا. پورحسینی، مترجم). (ج ۱). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 0 اسماعیلی، م. (۱۳۹۴). مسئولیت جمعی و اخلاقی. (م. خدادادی، مترجم). تهران: انتشارات ققنوس.
- 0 آقا جمال خوانساری، م. (۱۳۷۶). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم. (ج ۷). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 0 بدوی، ع. (۱۹۷۶م). الاخلاق النظریه. کویت: وكالة المطبوعات.
- 0 بیضاوی، ع. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. (ج ۳). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- 0 جعفری، م. ت. (۱۳۷۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. (ج ۲۷). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- 0 جهانبگلو، ر. (۱۳۸۳). تقد عقل مدرن: مصاحبه با ۲۰ تن از صاحب نظران و فیلسوفان معاصر. (ج ۱). (ح. سامعی، مترجم). تهران: فرزانه.
- 0 حبیبی، س و جوادی، م. (۱۳۹۴). تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه جان مارتین فیشر. در پژوهش های اخلاقی، سال پنجم، شماره سوم، ص. ۳۵-۵۴.
- 0 حبیبی، س و اکبری، ر. (۱۳۹۳). تبیین فلسفی مسئولیت اخلاقی از دیدگاه محمدحسین طباطبایی. در پژوهش های فلسفی کلامی، سال شانزدهم، شماره ۶۲، ص. ۷-۳۰.
- 0 حر عاملی، م. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. (ج ۱۶). قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- 0 راس، س. و. د. (۱۳۷۷). ارسطو. (م. قوام صفری، مترجم). تهران: فکر روز.
- 0 طباطبایی، م. ح. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. (م. ب. موسوی همدانی، مترجم). (ج ۴، ۱۵ و ۹). قم: انتشارات اسلامی.



- 0 طبرسی، ف. (۱۳۶۰). ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن. گروه مترجمان. (ج ۷). تهران: انتشارات فراهانی.
- 0 کاپلستون، ف. (۱۳۶۸). تاریخ فلسفه (یونان و روم). (ج ۱). (ج. مجتبیوی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی؛ سروش.
- 0 کورانی، ع. (۱۳۹۲). مفردات الراغب الاصفهانی. قم: معروف.
- 0 کولاکوفسکی، ل. (۱۳۹۴). درس گفتارهایی کوچک در باب مقولاتی بزرگ. (ر. وزیری، مترجم). تهران: نگاه معاصر.
- 0 مصباح یزدی، م. ت. (۱۳۸۱). فلسفه اخلاق. تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- 0 مطهری، م. (۱۳۸۷). مجموعه آثار (بخش اصول عقاید). (ج ۲). تهران: انتشارات صدرا.
- 0 مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۶). پیام امیرالمومنین: شرحی تازه و جامع بر نهج البلاغه. (ج ۱ و ۸). قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).
 0 منوچهری، ع. (۱۳۸۳). دوستی، بیناذهنیت و همبستگی. در فرهنگ اندیشه، سال سوم، شماره دوازدهم، ص. ۱۸۳-۱۹۶.
- 0 یاسپرس، ک. (۱۳۹۶). مساله تقصیر. (ف. فرودفر و ا. نصری، مترجمان). تهران: نشر چشمه.
- 0 Kohler, L. & Saner, F. (1993). *Hannah Arendt Karl Jaspers: correspondence, 1926-1969*. Translated from the German by R. and R. Kimber. New York: Harcourt.
- 0 Martin, J. (1999). Fisher recent work on Responsibility. *journal of Ethics*, 110, P.93-139.
- 0 Strawson, P.F. (1962). *Freedom and Resentment*. Reprinted in Fisher and Ravizza. Frome & London: Butler & Tunner Ltd.



References

- 0 al-Baydawi, N. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil wa-Asrar al-Ta'wil* (Vol. 3). Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- 0 al-Hurr al-Amili. (1409 AH). *Wasa'il al-Shia* (Vol. 16). Qom: Aal al-Bayt Institute. [In Arabic]
- 0 al-Shaykh al-Saduq. (1378 AP). *Uyoun Akhbar Al-Ridha* (Vol. 1). Tehran: Jahan. [In Arabic]
- 0 Aqa Jamal Khansari, M. (1376 AP). *Sharh Aqa Jamal al-Din Khansari on Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim* (Vol. 7). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- 0 Aristotle (2002). *The Nicomachean ethics*. (A. Pourhousseini, Trans., Vol. 1). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
- 0 Badawi, A. (1976). *Theoretical ethics*. Kuwait: Wakala al-Matboa'at. [In Arabic]
- 0 Copleston, F. C. (1368 AP). *History of Philosophy (Greece and Rome)* (J. Mojtabavi, Trans., Vol. 1). Tehran: Soroush. [In Persian]
- 0 Habibi, S., & Akbari, R. (2014). Philosophical explanation of moral responsibility from the perspective of Mohammad Hossein Tabatabaei. *Theological Philosophical Research*, 16(62), pp. 7- 30. [In Persian]
- 0 Habibi, S., & Javadi, M. (1394 AP). A Philosophical Explanation of Moral Responsibility from the Perspective of John Martin Fisher. *Ethical Research*, 5(3), pp. 35-54. [In Persian]
- 0 Ibn Abi'l-Hadid. (1404 AH). *Sharh Nahj ul Balagha* (Vol. 10). Qom: School of the Grand Ayatollah Al-Mara'shi Al-Najafi. [In Arabic]
- 0 Ibn Maysam. (1417 AH). *Description of the Nahj al-Balagha*. (M. S. Aref, Trans., Vol. 3). Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Arabic]
- 0 Jafari, M. T. (1376 AP). *Translation and interpretation of Nahj al-Balagha* (Vol. 27). Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [In Persian]
- 0 Jahanbegloo, R. (2004). *Critique of Modern Wisdom: Interviews with 20 Contemporary Experts and Philosophers* (H. Samei, Trans., Vol. 1). Tehran: Farzan. [In Persian]
- 0 Jaspers, K. (1396 AP). *The issue of fault*. (F. Farnoodfar & A. Nasri, Trans.). Tehran: Cheshmeh. [In Persian]
- 0 Kohler, L. & Saner, F. (1993). *Hannah Arendt Karl Jaspers: correspondence, 1926-1969* (R. Kimber, Trans.). New York: Harcourt.
- 0 Kolakowski, L. (1394 AP). *Lessons small talk about big categories*. (R. Vaziri, Trans.). Tehran: Negah-e Moaser. [In Persian]
- 0 Kurani, A. (1392 AP). *Mofradat of al-Raghib al-Isfahani*. Qom: Ma'roof. [In Arabic]
- 0 Makarem Shirazi, N. (1386). *Message of Amir al-Mu'minin: A new and comprehensive explanation of Nahj al-Balagha* (Vols. 1, 8). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib (AS) School. [In Persian]
- 0 Manouchehri, A. (1383 AP). *Friendship, intersubjectivity and solidarity*. *Culture of Thought*, 3(12), pp. 183-19. [In Persian]





- 0 Martin, J. (1999). Fisher recent work on Responsibility. *Journal of Ethics*, (110), pp. 93-139.
- 0 Mesbah Yazdi, M. T. (1381 AP). Philosophy of ethics. Tehran: International Publishing Company. [In Persian]
- 0 Motahhari, M. (1387). Collection of works (Principles of Beliefs) (Vol. 2). Tehran: Sadr. [In Persian]
- 0 Nahj al-Balagha.
- 0 Ross, V. D. (1377 AP). Aristotle. (M. Qavam Safari, Trans.). Tehran: Fekre Rooz. [In Persian]
- 0 Shaykh Tabarsi. (1360 AP). Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an (Group of translators, Trans., Vol. 7). Tehran: Farahani. [In Persian]
- 0 Smiley, M., & Andrew, E. (1394 AP). Collective and moral responsibility. (M. Khodadadi, Trans.). Tehran: Qoqnoos. [In Persian]
- 0 Strawson, P. F. (1962). Freedom and Resentment. Reprinted in Fisher and Ravizza. Frome & London: Butler & Tunner Ltd.
- 0 Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). al-Mizan fi Tafsir al-Quran (M. B. Mousavi Hamedani, Trans., Vols. 4, 9, 15). Qom: Islamic Publications. [In Persian]